

مخالف خوانی و انحراف از نُرم در شعر بیدل دهلوی

دکتر رجب توحیدیان*

چکیده

از جمله خصایص بارز سبکی شعرای نامی سبک هندی، که شعرشان را از اشعار سبک های دیگر متمایزتر جلوه می دهد مخالف خوانی یا انحراف از نُرم است. منظور از مخالف خوانی، در اشعار شعرای سبک هندی آن است که شعرای این سبک، به جهت دست یافتن به «معنی بیگانه» و پروراندن معانی و مضامین بکر شعری و متفاوت از آن چه در هنجار دیرینه ی ادبی است، در مورد معانی و مضامین کلیشه ای و رایج در ادب فارسی و شخصیت ها و عناصر مشهور داستانی و قرآنی و اسطوره ای نظیر: آب حیات، خضر، اسکندر، جام جم، یوسف، ابراهیم، عیسی، سلیمان و... از زاویه ای غیر عرفی می نگرند و به خلاف آمدِ عادت در مورد آن به قضاوت می نشینند، یعنی به انتقاد از آن چیزی می پردازند که در عرف و هنجار دیرینه ی ادبی، به ستایش و نگرش مثبت پیرامون آن پدیده ی شعری پرداخته شده و یا به ستایش و نگرش مثبت نسبت به آن چیزی می پردازند که در عرف و هنجار دیرینه ی ادبی، با انتقاد و نگرش منفی با آن برخورد شده است. نگارنده در این پژوهش موارد مخالف خوانی را از اشعار بیدل استخراج و به ترتیب حروف الفبایی مورد بحث قرار داده است و از اشعار دیگر شعرای سبک هندی نیز هر جا که ضروری به نظر می رسد، بهره برده است. هدف از این تحقیق تعیین موارد مخالف خوانی و انحراف از نُرم در سبک هندی، در محدوده ی شعر بیدل دهلوی است. نتیجه ی تحقیق اینکه مخالف خوانی در شعر بیدل دهلوی، با تأسی از شعرای نامدار سبک هندی از بسامد بالاتری برخوردار است.

کلید واژه ها: سبک هندی، بیدل دهلوی، معنی بیگانه، مخالف خوانی، زاویه ی دید، نگرش مثبت و

منفی

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سلماس *Email:r_tohidiyan@iausalmas.ac.ir

1- مقدمه

بیدل دهلوی، از چهره های شاخص سبک هندی در قرن دوازدهم هجری به شمار می آید. او یگانه شاعری است که منعکس کننده ی اکثر اندیشه ها و عقاید و مضامین شعری مطرح شده در سبک هندی- چه شعرای ایرانی مقیم هند و چه شعرای بومی هند- است. بیدل، با تأسی از شعرای پیشرو سبک هندی، به جهت دست یافتن به معنی بیگانه و مخالف خوانی، یک عنصر و پدیده ی شعری را که بیشتر برگرفته از محیط اطراف و طبیعت پیرامون اوست، با کمک ذهن خلاق و فکر دقیق، موشکافانه، از جنبه ها و زوایای مختلف مورد مطالعه قرار داده و درباره ی آن به داوری می نشیند، یعنی به نکوهش و نگرش منفی نسبت به آن چیزی می پردازد که در هنجار و عادت دیرینه ادبی، به ستایش و نگرش مثبت پیرامون آن چیز پرداخته شده و یا به ستایش و نگرش مثبت نسبت به آن چیزی می پردازد که در هنجار ادبی، با نگرش منفی با آن برخورد شده است.

1-1- بیان مسأله و سوالات تحقیق

چون شعرای سبک هندی، از جمله بیدل دهلوی در فکر دستیابی به معانی و مضامین جدید و به اصطلاح خودشان «معنی بیگانه» بوده اند، به مخالف خوانی و انحراف از نُرم اقدام کرده اند. منظور از مخالف خوانی و انحراف از نُرم در اشعار شعرای سبک هندی، آن است که این شعرا برای خلق معانی و مضامین بکر شعری و به علت قرار گرفتن در موقعیت های مختلف زندگی و نیز بر خلاف نظام سیاسی- مذهبی حاکم بر جامعه ی صفوی، که شدیداً تحت تأثیر باور ها و عقاید گذشته است، در خصوص معانی و مضامین کلیشه ای و رایج در ادب فارسی و شخصیت ها و عناصر مشهور داستانی و قرآنی و اسطوره ای نظیر: آب حیات، خضر(ع)، اسکندر، جام جم، یوسف(ع)، ابراهیم(ع)، عیسی(ع)، سلیمان(ع) و... از زاویه ای غیر عرفی می نگرند و به خلاف آمدِ عادت در مورد آن به قضاوت می نشینند، یعنی به انتقاد از آن چیزی می پردازند که در هنجار دیرینه ی ادبی، به ستایش و نگرش مثبت پیرامون آن پدیده ی شعری پرداخته شده و یا به ستایش و نگرش مثبت نسبت به آن چیزی می پردازند که در عرف و هنجار دیرینه ی ادبی، با انتقاد و نگرش منفی با آن پدیده ی شعری برخورد شده است. این نوع هنر نمایی، که از جمله ی خصایص سبکی منحصر بفرد شعرای سبک هندی، از جمله بیدل است، باعث نوعی ابهام در فهم اشعار بیدل شده است. در این پژوهش این سؤال که مخالف خوانی و انحراف از نُرم در شعر بیدل دهلوی با تأسی از شعرای هم سبک خویش تا چه حدی بوده است به صورت فرضیه در نظر گرفته شده است. فرضیه ی نخست در این پژوهش این است که بیدل دهلوی همونوا و با تأسی از دیگر شعرای

سبک هندی، برای دستیابی به معنی بیگانه، در خصوص شخصیت های اساطیری، تاریخی، ادبی و پدیده های محیط اطراف و طبیعت پیرامون خود به مخالف خوانی و انحراف از نُرم پرداخته و با مطالعه در شعر بیدل این فرضیه مورد تأیید قرار گرفت. فرضیه ی دیگر اینکه مخالف خوانی و انحراف از نُرم در شعر بیدل دهلوی، با تأسی از دیگر شعرای سبک هندی از جمله صائب، در حد قابل توجهی به کار رفته که در شعر بیدل با تأسی از صائب از بسامد بالاتری برخوردار است

2-1- اهداف و سوال تحقیق

در این پژوهش دو هدف مد نظر نگارنده بوده است:

هدف کلی: پرداختن به مخالف خوانی و انحراف از نُرم در سبک هندی

هدف فرعی: تعیین و انتخاب موارد مخالف خوانی و انحراف از نُرم در شعر بیدل دهلوی.

3-1- روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، به صورت کتابخانه ای بوده است. ابتدا به مطالعه ی کتابها و مقالاتی که به موضوع مورد بحث اشاره ای داشته اند پرداخته شده است. در مرحله ی بعدی غزلیات بیدل دهلوی به دقت و با تأمل کافی خوانده شده و موارد مخالف خوانی و انحراف از نُرم از میان آنها استخراج شده است. در مرحله پایانی، این موارد مخالف خوانی، که بیشتر از نوع مثبت (ستایش) و منفی (نکوهش و انتقاد) است، جداگانه و به ترتیب حروف الفبایی مورد بررسی قرار گرفته و به علل و عوامل آن نیز اشاره شده است.

4-1- اهمیت و ضرورت تحقیق

با عنایت به این که درباره موضوع مورد نظر، کار تحقیقی صورت نگرفته و از دید نقّادان ادب در پرده اغماض مانده است، نگارنده در صدد بر آمد که این موضوع مهم را ° که از عوامل شهرت و آوازه شعرای سبک هندی؛ بخصوص بیدل دهلوی است- به طور کامل مورد بررسی قرار دهد تا هنر نمایی بیدل دهلوی از این چشم انداز سبک شناسانه نیز مورد توجه ادبا و اهل قلم و تحقیق و علاقه مندان به سبک هندی و شعر بیدل قرار گیرد. به نظر نگارنده، این پژوهش برای شناساندن جایگاه شعری بیدل و پی بردن به زوایای پنهان فکر وی نیز سودمند خواهد بود.

5-1- پیشینه ی تحقیق

درباره ی سبک پر رمز و راز هندی و دیگر شاعران این سبک، کارهای تحقیقی بسیار جامعی از سوی اهل فن، انجام شده است که هر کدام از آن تحقیقات به نوبه ی خود، روزنه ای جدید در

جهت شناسایی زوایای پنهان سبک هندی و شاعران برجسته ی آن، بخصوص، صائب تبریزی و بیدل دهلوی پیش روی خواننده ی علاقه مند باز می کند، اما با وجود گستردگی و وسعت دامنه ی تحقیقات انجام شده در تمامی ابعاد سبک هندی، در زمینه ی مخالف خوانی و انحراف از نُرم، تا به حال در شعر بیدل، هیچ تحقیقی انجام نشده است. کتب و مقالات ارزشمندی در زمینه ی مخالف خوانی و «معنی بیگانه» در شعر و سبک هندی و بخصوص صائب تبریزی نوشته شده است:

1- محمدحسین محمدی در کتاب ارزشمند «بیگانه مثل معنی» در صفحات 128-134، در بحث از «معنی بیگانه» که ارتباط تنگاتنگی با مخالف خوانی نیز دارد، عنوان و اصطلاح «زاویه ی دید و معنی» را مطرح کرده می گوید: «...منظور از زاویه دید برداشت های متنوع از یک حقیقت و ماهیت ثابت است. اختلاف در زاویه دید، سبب اختلاف در صورت و معنای شعرها می شود و در نتیجه منجر به ایجاد معنای تازه و نو (= معنای بیگانه) خواهد شد. از آنجا که شاعران سبک هندی به تصریح خود پیوسته به دنبال معنی بیگانه هستند در شعرهای آنها با زاویه های دید متنوعی روبرو هستیم... بیشتر این زاویه های دید، از دو حال خارج نیستند: یا با دیدی منفی به چیزی می نگرند یا با دیدی مثبت. تغییر در زاویه های دید، رسیدن به اصل: «ایجاد معنای تازه و نو» با «معنی بیگانه» است. به این ترتیب در شعرهای سبک هندی، خواننده پیوسته با یک «نوسان فکری» روبه رو است. به این معنا که تفکر ثابتی بر شعرها حکمفرما نیست و جایگاه فکری شاعر نسبت به اشیا و افراد در حاله ای از ابهام فرو رفته است. (محمدی، 1374: 128-134)

2- محمد حکیم آذر در مقاله «انحراف از نرم در شعر صائب تبریزی»، می نویسد: «...صائب در تلمیح پردازی توجه ویژه ای به شخصیت های قرآنی داشته است و در غزل او نام کسانی چون: خضر(ع)، موسی(ع)، یوسف(ع) و شخصیت های معروف قرآنی به چشم می خورد. صائب با این شخصیت ها در مضمون سازی دو شیوه ی عمده را مورد توجه قرار داده است: الف) توجه به تلمیحات، همانند متقدمان و پیروی از کلیشه های سنتی در تلمیح پردازی (موافق خوانی). ب) انحراف از نُرم (مخالف خوانی) ...مخالف خوانی یعنی داستانی، موضوعی را از زاویه ی غیر عرفی نگریستن. این موضوع از سویی در ارتباط با تلمیح است و از سوی دیگر نگرش خاص صائب نسبت به شخصیت های قرآنی، نظیر: خضر، سلیمان، یعقوب، یوسف، یونس و ... یا اشخاص اساطیر و افسانه ها مثل: اسکندر، رستم، جمشید و .. است. صائب در بر خورد با شخصیت های داستانی جبهه جدیدی گشوده و با عینکی نو به داستان زندگی آنها نگریسته است. این عینک با نوعی رنگ انتقادی حقایق مرسوم و متداول داستانهای معروف قرآنی و اساطیری را تأمل پذیرتر از

آنچه شاعران سبک های قبل به آن پرداخته اند (موافق خوانی) جلوه می دهد. خط قرمزی که شرع و عرف برای این شخصیت ها تعریف کرده است گاه به دست صائب شکسته می شود؛ وی پا را حتی از دایره انتقاد فراتر نهاده کار را به شماتت می کشاند... (حکیم آذر، 1384: 43-65)

2- از معنی بیگانه تا مخالف خوانی

یکی از اصطلاحات رایج در دیوان های شاعران سبک هندی، «معنی بیگانه» است «تعبیری که شاعران این سبک برای نشان دادن توان شاعری خویش بارها از آن استفاده کرده، شعر خود را به دلیل واجد بودن آن ستوده اند و بالطبع در مقابل نیز، شعر کسانی را که فاقد معنی بیگانه بوده، شعری فاقد زیبایی و بی بهره از «آن» شعری به شمار آورده اند. با این همه معنای دقیق و روشنی از این تعبیر، از سوی شاعران این سبک، ارائه نشده است. معنی رنگین، معنی برجسته، معنی پیچیده، معنی نازک، معنی روشن، معنی دورگرد و غیره، همه تعبیری است برای معنی بیگانه و تقریباً هم معنا با آن. «(غنی پور ملک‌شاه، 1387: 51). محمدی درباره ی «معنی بیگانه» می نویسد: «فرهنگ نویسان، تعریف جامع و مانعی از «معنی بیگانه» به دست نداده اند. در غیاب اللغات ذیل معنی بیگانه می نویسد: «معنی بهتر و لطیف و عمده که پیش از وی کسی نبسته باشد.» آنچه از این تعریف مستفاد می شود، این است که «معنی بیگانه» معادل «معنی تازه و بکر و بدیع» است. معنی بیگانه در واقع یافتن نوعی رابطه ی جدید از طریق مخالف خوانی بین اشیاء و مظاهر این جهان است. یافتن این رابطه ی جدید نیاز به نگاهی جدید و تازه هم دارد.» (محمدی، 1374: 235). وقتی با هر متن هنری و خلّاق روبه رو می شوید، از رباعیات خیام تا دیوان حافظ و سعدی و تمام آثار برجسته ی ادبیات بشری، خواهید دید که آن هنرمند، حرفی را که دیگران، حتی عامه ی مردم، به کرات از آن سخن گفته اند و از فرط تکرار خسته کننده شده است، به گونه ای صورت نو بخشیده که ما با لذّت از آن استقبال می کنیم. در دوره ی سبک هندی، شاعران، فعّال کردن «هنر‌سازه» ها (بازسازی مضامین کهنه) را «معنی بیگانه» می خوانده اند و در جوهر اندیشه ی ایشان هم چیزی از نوع آشنایی زدایی (مخالف خوانی) وجود داشته است که به صورت «معنی بیگانه» خود را نشان می داده است. (شفیعی کدکنی، 1391: 88). صائب در این خصوص می گوید:

از زبان خامه من لفظ های آشنا در لباس معنی بیگانه می آید برون

(صائب تبریزی، 1375، ج 6: 2886)

یک عمر می توان سخن از زلف یار گفت در بند آن مباش که مضمون نمانده است

(همان، ج 2: 974)

«زلف یار پدیده ای ثابت است که در طول تاریخ، تغییر چندانی ندارد اما می توان سال های طولانی درباره آن شعر سرود. این کار چگونه ممکن است؟ تنها راه چنین کاری، آن است که لفظ ها را دگرگون سازیم تا به شکل های جدیدی دست پیدا کنیم.» (محمدی، 1374: 244). هرگاه کسی به آفاق و انفس نگاه تازه ای داشته باشد، به ناچار برای انتقال صور نوین ذهنی خود- مافی الضمیر خود- باید از زبان جدیدی استفاده کند. اصطلاحات و ترکیب نوینی به کار برد. به ناچار اسم و اصطلاح وضع خواهد کرد، یا به لغات بار معنایی تازه ای می دهد. (شمیسا، 1374: 15).

3- مخالف خوانی و انحراف از نرْم در سبک هندی و شعر بیدل دهلوی

اغلب «شاعران را دستمایه هایی ثابت و پذیرفته شده است در مکتب اینان، لب، لعل را و گل، بلبل را تداعی می کند. سرو از اندام حکایت دارد و نی از دوری شکایت، و اینها نشأت گرفته از باور های اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، سنتی و گاه خرافی است و هر چه هست، قولی است که جملگی برانند. برخی امور در عرف و هنجار ادبی مقدس است و مطلوب و برخی ناپسند و منفور، حیوانی عزیز است و فرخنده پی و دیگری شوم است و نامبارک. اینکه ریشه این باور ها از کجا سیراب می شود، خارج از بحث ماست و اینکه چرا در ایران کبوتر بیک عشاق و مظهر مهر است و در نزد هندیان کلاغ را این رتبت است، قابل تأمل می نماید، اما اینکه شاعری با این باور ها از در خلاف درآید و نعمه مخالف را چنان خوش بخواند که به گوش جان ها بنشیند، خبر از نوعی تحیل قوی و اندیشه ژرف می دهد و از قضا از جمله مشخصه های کلیم و صائب و بیدل یکی همین امر است. با اقرار دیگران را به دیده انکار نگریستن و در باور های استوار آنان رخنه ایجاد کردن. شاعران آب بقا را ستوده و دستیابی بدان را نشانه لطف حق دانسته و خضر را که بدان سرچشمه دست یافته به دیده رشک و غبطه نگریسته اند و اسکندر را با همه زور و زر شایسته نوشیدن آن ندیده و گفته اند:

سکندر را نمی بخشند آبی به زور و زر میسر نیست ایمن کار
 اما صائب آب بقا را تلخ و خضر نوشنده آن را تلخ کام می شمرد:
 خبر ز تلخی آب بقا کسی دارد که همچو خضر گرفتار عمر جاوید است»
 (سجادی، 1389: هفده ° شانزده)

بیدل با مخالف خوانی و برای دستیابی به معنی بیگانه، در باب شخصیت ابراهیم (ع) می گوید:
 سنگ هم بی انتقامی نیست در میزان عدل بت شکستی مستعد آتش نمرود باش
 (بیدل دهلوی، 1384 ج 2: 898)

در جای دیگر، بر خلاف عادت دیرینه ادبی- که دنیا همچون عروس و پیرزن عجزه شوی گُش و عشوه گر دانسته شده است- دنیا را همچون شوهری می داند:

با حریرصان عجزوز دنیا را زن مخوانید شوهر دگر است
(همان، ج: ۱: ۴۴۸)

شیری، در خصوص سنت شکنی و مخالف خوانی شعرای سبک هندی و علل و عوامل آن می نویسد: «... بی توجهی شاعران صفوی به میراث های ادبی پیش از خود و بریدن از سنت ها و سازندگان آنها، یکی از خصایص سبک هندی و شعر دوره صفوی است که آن نیز به نوعی یک واکنش طبیعی از جانب هنرمندانی است که رضایتی از روند حاکم بر جامعه ندارند. این نوع اُتکا به تعلیمات و تجربیات خود و تلاش تمام عیار برای تازگی و طراوت بخشیدن به تجربیات جدید و جدایی کامل از آموزه ها و تجربه های پیشینیان را وانمود کردن و کنار نهادن تقلید و اقتباس که بیشترین جلوه آن را در این دوره می توان مشاهده کرد، در حقیقت چیزی نیست جز رفتار متقابل و منفی در برابر جامعه ای که با گرایش تام و تمام به تبعیت و تقلید از گذشته پرداخته است و در این گذشته گرایی تا آنجا فرو رفته است که با تن دادن به تعطیل اجتهاد و تفکر، خود را به مصرف کننده و مقلد محض تنزل داده است. این است که اندیشه ورزان ناراضی از وضعیت موجود که اغلب در حوزه هنر و ادبیات قرار گرفته اند که این بخش از فرهنگ را نیز بسیاری از متولیان بزرگ سیاسی و مذهبی چندان جدی نمی گیرند، با یک اراده ناخودآگاه جمعی چنین عمل می کنند که چون حوزه هنر و ادبیات از دایره شمول و اجرای اجباری آن ممانعت ها و ممنوعیت ها بیرون است، پس باید آنچه را که ناپسند تلقی می شود کنار نهاد و با محوریت بخشیدن به پویایی های فکری و نوگرایی در نگرش، در حرکتی کاملاً مخالف با رفتار حاکمیت به نفی گذشته پرداخت و همه چیز را در حال خلاصه کرد. یعنی در برابر آن نوع از افراط گرایی با روی آوردن به حرکت های متقابل و تفریطی، از خود واکنش نشان داد.» (شیری، ۱۳۸۸: ۶۹-۶۸).

مبحث مخالف خوانی در اشعار سبک هندی، بخصوص بیدل دهلوی، به دو صورت مطرح گردیده است، یعنی این شعرا به تحسین و ستایش از آن چیزی می پردازند که در عرف و هنجار ادبی، به نکوهش آن چیز پرداخته شده و بر عکس به نکوهش آن چیزی می پردازند که در عرف و هنجار ادبی، آن چیز مورد ستایش واقع گردیده است. (توحیدیان و نصرتی، ۱۳۹۱: ۶۰). در کتب بدیعی فارسی از آرایه ای به نام «تغایر» نام برده اند و منظور از صنعت و آرایه «تغایر یا مغایره» (تحسین ما یُسْتَقْبَحُ) و (تقیح ما یُسْتَحْسَنُ)، آن است که متکلم بر وجه لطیفی مدح کند، آنچه

را که نزد عموم نکوهیده است و قدح کند آنچه را که در نزد دیگران ستوده است. (شمس العلمای گرکانی، 1377: 154). بیدل، در پرداختن به مخالف خوانی، پیرو اکثر شعرای سبک هندی، بخصوص صائب تبریزی به شمار می آید. بیدل، به جهت خلق معانی و مضامین متضاد و همچنین به علت قرار گرفتن در موقعیت ها و مواضع مختلف در زندگی و بر خلاف نظام حاکم زمانه ی خویش، به مخالف خوانی، دست زده است. بیدل هم‌نوا با شعرای هم سبک خویش نظیر صائب، از زاویه های دید متنوعی به عناصر و پدیده های شعری و ادبی محیط اطراف و طبیعت پیرامون خود و شخصیت های: اساطیری و داستانی و مذهبی و قرآنی اشعار خود نگریسته و به مخالف خوانی پرداخته و در خلاف آمد عادت کام جسته است. از میان عناصری که بیدل، به جهت دست یافتن به معنی بیگانه و طرز تازه، از طریق آنها به آشنایی زادیی و هنجار گریزی معنایی دست زده است، می توان به این موارد اشاره نمود:

1-3- آب حیات و خضر

«...نگاه شعرای سبک هندی، نسبت به شخصیت خضر(ع) و آب حیات او دوگانه است: یکی اینکه در برخورد با داستان خضر(ع) و آب حیات، موافق سنت ادبی فارسی بر خورد کرده و به تحسین و ستایش خضر و آب حیات می پردازند. دوم اینکه مخالف خوانی کرده و برخلاف عرف و عادت شاعران گذشته، به انتقاد از مقام و شخصیت خضر می پردازند. (حکیم آذر، 1384: 47). نگرش بیدل همچون سایر مضامین شعریش به آب بقا متفاوت است؛ یعنی زمانی هم‌نوا و موافق با هنجار دیرینه ادبی به تحسین از آب بقا می پردازد و زمانی نیز با مخالف خوانی به انتقاد و نگرش منفی آن می پردازد. بیدل، بر خلاف هنجار و عادت دیرینه ادبی و حتی عموم مردم و هم‌نوا با صائب و شعرای سبک هندی در نگرش منفی به آب بقا می گوید:

تا نفس باقی است، باید با علایق ساختن خضر را هم الفت آب بقا زنجیر پاست
(بیدل دهلوی، 1384، ج 1: 319)

موج دریای تعین گر همین جوش من است آنچه خلق آب بقا دارد گمان جز شاش نیست
(همان: 432)

بیدل، بر خلاف هنجار ادبی و هم‌نوا با شعرای سبک هندی از جمله کلیم کاشانی، در انتقاد از مقام خضر می گوید:

جام آب زندگی تنها به کام خضر نیست در گداز آرزو هم جوش دریای بقاست
(همان: 341)

زیر فلک آنقدر خجالت مهلت مبر / زندگی خضر هم یک دو نفس تهمتی است
(همان: ۴۰۸)

«کلیم کاشانی با وجود حیرانی و سرگردانی، به سبب جذبه ی شوق، در سلوک عرفانی خویش، راهی طولانی و پر خطر را پیموده که خضر نیز برای پیمودن چنین راهی به رهبر و مرشد نیاز دارد: با همه حیرانی و سرگشتگی از جذب شوق رفته ام راهی که خضرش نیز بی رهبر نبود»
(واثق عباسی و وظیفه دان ملاشاهی، ۱۳۹۱: ۱۱۵)

2-3- آسودگی و آسوده دلی

بیدل، بر خلاف هنجار و عادت ادبی و عموم مردم، که آسودگی و آسوده دلی را می پسندند، مخالف خوانی کرده و در نگرش منفی به آن گوید:
عاشقان را صندل آسودگی در دسر است / تا به سر دردی نباشد، در دسر داریم ما
(بیدل دهلوی، 1384، ج 1: ۱۱۸)

3-3- آفتاب و خورشید

بیدل، بر خلاف هنجار ادبی، به جهت خلق معنی و مضمون جدید، در انتقاد از آفتاب گوید:
یک روی گرم در همه عالم پدید نیست / خورشید هم به کشور ما سایه پرور است
(همان: ۳۸۳)

4-3- آگاهی

نگرش بیدل به مضمون آگاهی نیز دوگانه است؛ زمانی موافق با هنجار ادبی و عموم مردم، به تعریف و تمجید از آن می پردازد و زمانی نیز مخالف با هنجار دیرینه ی ادبی از آن انتقاد می کند:
به قدر آگهی آماده است اسباب تشویشت / طبیعت باید اینجا اندکی غافل شود پیدا
(بیدل دهلوی، 1384، ج 1: ۱۵۱)
بگذر از افسانه تحقیق، فهم این است و بس / تا تو آگاهی، رموز هیچ چیزت فاش نیست
(همان: ۴۳۲)

5-3- امید و ناامیدی

ناامیدی از جمله مضامینی است که در شعر بیدل، از کاربرد بیشتری نسبت به سایر مضامین برخوردار است. بیدل، به علت قرار گرفتن در موقعیت های مختلف در زندگی، مخالف با عادت دیرینه ادبی و همچنین بر خلاف ایمان و عقیده ی خود، در نگرش مثبت به ناامیدی گوید:

دام تسخیر دو عالم نفس نومیدی است ای ندامت زده سررشته ی آهی دریاب
(همان: ۲۷۲)

3-6- بخت تیره یا تیره بختی

بیدل، بر خلاف هنجار ادبی و هم اندیشه با شعرای هم سبک خویش، به جهت خلق مضمون جدید، در نگرش مثبت به بخت تیره خود گوید:
توان به بیکسی ایمن شد از مضرت دهر سموم حادثه را بخت تیره تریاک است
(همان: ۳۵۷)

تیره بختی هرچه باشد امتحانگاه وفاست از محک غافل مباش ای بیخبر رنگم زری است
(همان: ۴۴۷)

3-7- تأمل

بیدل، بر خلاف عقیده خود و بر خلاف هنجار ادبی، به جهت خلق معنی بیگانه، گوید:
جز تأمل نیست بیدل! مانع شوق طلب رشته ی این ره اگر دارد گره، استادان است
(بیدل دهلوی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۳۷۱)
عالمی چون موج گوهر می رود غلتان ناز پیش پای ما تأمل گر نباشد چاه نیست
(همان: ۴۶۷)

3-8- تغافل و غفلت

از جمله مضامینی است که در شعر بیدل از بسامد بسیار بالایی برخوردار است و شعری نیست که این مضمون به نوعی در آن مطرح نشده باشد. نگاه بیدل به مضمون تغافل دوگانه (مثبت و منفی) است. زمانی بر خلاف هنجار ادبی، در تحسین از آن می گوید:
مژه بر بند و فارغ شو ز مکروهات این محفل تغافل عالمی دارد که عیب آنجا هنر گردد
(بیدل دهلوی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۸۱۱)

3-9- جام جم

بیدل با تأسی از دیگر شعرای سبک هندی، نسبت به عناصر و شخصیت های داستانی و مذهبی و اساطیری و تاریخی، به جهت دست یافتن به معنی و مضمون جدید، متضاد از هم است. بیدل بر خلاف هنجار دیرینه ادبی و هم اندیشه با شعرای سبک هندی در انتقاد از جام جم می گوید:

گر یک نفس آیینـه کنی نقش قدم را
بر خاک نشانی هوس ساغر جم را
(همان، ج ۱: ۲۲۲)

10-3- جسد و جسم

بیدل، مخالف با عرف و هنجار ادبی، در نگرش مثبت به جسد و تن گوید:
آب حیات جوی جسد جوهر سخاست
راه تراوشی چو ظروف گلین گشا
(همان: ۱۶۸)

11-3- جسم و جان

مضمون جسم و جان در شعر بیدل، با تأسی از شعرای دیگر سبک هندی، در دو صورت متضاد از هم (مثبت و منفی) به کار رفته است. بیدل مخالف با هنجار ادبی بخصوص ادب عرفانی اندیشیده و در نگرش مثبت به جسم در رابطه با جان، می گوید:
گرانی کی کشد پای طلب در وادی شوقت
که جسم اینجا سبک روحی کند تعلیم جانها را
(همان: ۱۷۴)

12-3- جلوه

جلوه از اصلاحات عرفانی است که در شکل گیری اندیشه های عرفانی بیدل نظیر: وحدت وجود، نقش اساسی را ایفا کرده است. بیدل آن را نیز در دو مفهوم متضاد از هم (مثبت و منفی) به کار برده است. بر خلاف عقیده خود و اکثریت شعرا، بخصوص شعرای عرفانی طرفدار وحدت وجود، در نگرش منفی به جلوه می گوید:
ز هیچ جلوه به تحقیق چشم نگشودیم
شهود آینه در عالم مثال گذشت
(همان: ۳۲۱)

13-3- جمعیت دل

از جمله مواردی است که خواننده و پژوهشگر سبک هندی را به عدم انسجام فکری و تناقض گویی و قرار گرفتن شاعر در موقعیت های مختلف در زندگی، رهنمون می گردد. بیدل، زمانی هم اندیشه با عرف و هنجار ادبی، بخصوص ادبیات عرفانی، به تحسین از آن پرداخته و در جایی دیگر، بر خلاف هنجار ادبی و بخصوص ادب عرفانی، به نگرش منفی نسبت به آن می پردازد. بیدل، با استفاده از اسلوب معادله، به جهت خلق معنی و مضمون جدید (ر.ک. حسن پور آلاشتی، 1384: 75-76) در انتقاد از جمعیت دل و نکوهش آن گوید:

زنهار به جمعیت دل غره مباحثید
 آسودگی از بحر جدا کرد گهر را
 (بیدل دهلوی، 1384، ج 1: 94)
 جمع گشتن دل ما را به تسلی نرساند
 از گهر کیست برد شیوه غلتانی را
 (همان: 251)

3-14- خاکساری

بیدل، با استفاده از اسلوب معادله، بر خلاف هنجار و عادت دیرینه ی ادبی و عموم مردم و همصدا با صائب در نگرش منفی به خاکساری گوید:
 خاکساری نیز ما را مانع وارستگی است تا بود نقشی به جا از بوریا زنجیر پاست
 (همان: 351)

3-15- خاموشی

خاموشی نیز از مضامین پر بسامد سبک هندی است. از میان شعرای این سبک، صائب و بیدل بیشتر بدان پرداخته اند. بیدل با تأسی از صائب، خاموشی را در دو مفهوم متضاد از هم به کار می گیرد. (توحیدیان و خان چوبانی اهرنجانی، 1390: 36-35). بسامد ابیاتی که بیدل به تعریف و تمجید از خاموشی پرداخته است، بیش از نکوهش آن است. با تأسی از صائب و مخالف با هنجار ادبی، در انتقاد از خاموشی گوید:
 برجسته نیست پلّه ی میزان خاموشی یارب به سنگ سرمه نسنجی صدای ما
 (بیدل دهلوی، 1384، ج 1: 89)
 خاموشی غیر افسردن چه گل ریزد به دامانت؟
 اگر آزاده ای با ناله کن پیوند اعضا را
 (همان: 117)

3-16- زلف معشوق

با تحقیق در سبک های شعری پیش از سبک هندی، بخصوص سبک عراقی و شعرای برجسته آن نظیر حافظ، متوجه می شویم که نگرش شعرای سبک عراقی نسبت به عناصر و پدیده های شعری، از جمله زلف معشوق، کلیشه ای و تک بعدی است؛ یعنی زلف، به عنوان مظهری از تجلیات جلالی معشوق ازلی قلمداد می گردد و همچون کمندی در نظر گرفته می شود که دل عاشق را به اسارت می گیرد. به همین جهت نگرش به زلف، در سبک عراقی جنبه ی منفی دارد؛ در حالی که در سبک هندی، سوای از این که موافق با عرف و هنجار ادبی، به جنبه منفی زلف توجه می شود، بر خلاف هنجار ادبی و به جهت دستیابی به معنی بیگانه، به نوعی دیگر به مضمون

زلف پرداخته می شود. (توحیدیان و نصرتی، 1391: 11). بیدل، درخصوص زلف معشوق، بر خلاف هنجار ادبی، بخصوص حافظ اندیشیده، می گوید:

دل در خم کمنند نَفَس ناله می کند ما را گمان که زلف بتان دام داشته است
(بیدل دهلوی، 1384، ج 1: 342)

بیدل، در جای دیگر، مخالف با هنجار ادبی، بخصوص حافظ، که از زلف یار بر حذر می دارد، چنین می گوید:

مترس از غم ناسور ای جراحی دل به زلف یار بزن دست و مشک ناب طلب
(همان: ۲۶۸)

17-3- سراب

بیدل بر خلاف هنجار ادبی و همنوا با شاعران سبک هندی، در نگرش مثبت به سراب گوید: به روی نسخه هستی که نیست جز تب و تاب نوشته اند خط عافیت به موج سراب
(همان: ۲۵۹)

18-3- سلیمان

بیدل، همنوا با صائب و بر خلاف هنجار ادبی، در نگرش منفی به سلیمان گوید: تخت سلیمان جاه پایه ی قدرش هوست دود دماغ حباب آن همه پاینده نیست
(همان: ۴۶۳)

19-3- شکوه از جور گردون

بیدل بر خلاف عقیده خود و بر خلاف اکثریت شعرا و همنوا با شعرای سبک هندی، مدّعی است که از دست گردون شکوه ای ندارد: خاطر ما شکوه ای از جور گردون سر نکرد بارها بشکست و زین مینا صدایی برنخواست
(همان: ۴۰۸)

20-3- عقل و عشق

بیدل، بر خلاف عرف و هنجار ادبی، بخصوص ادبیات عرفانی، که به نکوهش عقل و ستایش عشق، پرداخته شده است، در نگرش مثبت به عقل و نکوهش عشق گوید: عقل کو تا جمع سازد خاطر از اجزای ما عشق مشت خاک ما را سر به صحرا داده است
(بیدل دهلوی، 1384، ج 1: ۳۶۸)

۳-۲۱- عنقا (سیمرغ)

بر خلاف هنجار ادبی، و هم‌نوا با شعرای هم سبک خویشدر نگرش منفی به عنقا گوید:
در جستجوی ما نکشی زحمت سراغ جای رسیده ایـم که عنقا نمی رسد
(همان، ج ۲: ۸۰۵)

۳-۲۲- فلک و آسمان و گردون و چرخ

بیدل بر خلاف اکثر شعرا که به نکوهش از فلک پرداخته اند، در ستایش از گردون چنین می گوید:
بر بزرگان از طواف خاکساران ننگ نیست چرخ با آن سرکشی گرد زمین گردیده است
(همان، ج ۱: ۴۸۳)

۳-۲۳- کمال و نقصان

بیدل، با تأسی از شعرای هم سبک خویش و بر خلاف هنجار ادبی، با استفاده از عنصر تمثیل و اسلوب معادله که از طُرُق رسیدن به معنی بیگانه است، (ر.ک. حسن پور آلاشتی، ۱۳۸۴: ۷۶-۷۵)، در نگرش مثبت به نقصان می گوید:
گر ز اسرار آگهی، کم نیست نقصان از کمال چون خط پرگار خواندی، ابتدایت انتهاست
(بیدل دهلوی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۴۷۰)

۳-۲۴- کوه طور

بیدل بر خلاف هنجار ادبی و با ترک ادب شرعی، در نگرش منفی به کوه طور گوید:
در تجلی سوختیم و چشم بینش وا نشد سخت پا بـرجاست جهل ما مگر طوریم ما
(همان: ۱۰۶)

۳-۲۵- گرفتاری

بیدل، به علت قرار گرفتن در مواضع و موقعیت های مختلف در زندگی، بر خلاف هنجار ادبی و عقیده ی خود، در نگرش مثبت به آن گوید:
بیدل! از کیفیت ذوق گرفتاری مپرس من سری ذردیده ام در هر کجا زنجیر پاست
(همان: ۳۱۹)

۳-۲۶- ما و من

مضمون فوق در شعر بیدل از بسامد بالایی برخوردار است. نگرش بیدل به این مضمون، متضاد است، یعنی زمانی موافق با هنجار ادبی، بخصوص ادب عرفانی به نکوهش آن می پردازد و

زمانی نیز بر خلاف هنجار ادبی و شعرای عرفانی در تحسین آن چنین می گوید:
 ماو من هیچ کم از نعره منصور نیست تا نفس هست حضور رسن و داری هست
 (همان: ۳۳۳)

۲۷-۳- مسیح

بیدل برخلاف هنجار ادبی و همونوا با دیگر شعرای سبک هندی، در نگرش منفی به مسیح(ع) گوید:

تا به قصر کبریا چندین فلک طی کردن است نردبانی چند بیش آنجا مسیحا بر نخواست
 (همان: ۴۱۸)

۲۸-۳- نادانی و جهل

بیدل، همچون شعرای دیگر سبک هندی، به علت قرار گرفتن در موقعیت های مختلف، بر خلاف ایمان و عقیده خود و بر خلاف عرف و هنجار ادبی، در نگرش مثبت به جهل و نادانی گوید:

دعوی فضل و هنر خواربست در ابنای دهر آبرو می خواهی اینجا اندکی نادان برآ
 (همان: ۱۰۴)

۲۹-۳- نسیم بهاری

بیدل بر خلاف هنجار ادبی، نظری به فیض نسیم بهاری ندارد:
 ما را نظر به فیض نسیم بهار نیست اشک است شبنم گل رنگ خزان ما
 (همان: ۱۴۷)

۳۰-۳- وصل

بیدل، بر خلاف عرف و هنجار ادبی، بخصوص ادبیات عرفانی، در نگرش منفی به وصل گوید:
 وصل نتواند خممار حسرت دلها شکست کم نسازد می کشی خمیازه جام باده را
 (همان: ۲۲۶)

۳۱-۳- هما و سایه بال هما

بر خلاف هنجار ادبی و هم اندیشه با شعرای سبک هندی در نگرش منفی به آن گوید:
 هشدار که در سایه دیوار قناعت خوابی است که در زیر پر و بال هما نیست
 (همان: ۴۴۹)

۳۲-۳- هنر

بیدل، بر خلاف هنجار دیرینه ادبی، به جهت خلق مضمون جدید، در انتقاد از هنر گوید:
مرد را کسب هنر دام ره آزادگی است موج جوهر آب جوی تیغ را زنجیر پاست
(همان: ۳۵۰)

نتیجه

با مطالعه اشعار بیدل دهلوی، می توان چنین نتیجه گیری کرد که بیدل و دیگر شعرای نامدار این سبک، با دادن بار معنایی کاملاً جدید به عناصر و واژگان شعری، به مخالف خوانی و انحراف از نرْم، پرداخته اند. بیدل، از جمله شعرای صاحب سبک و خیال بند و مضمون آفرین سبک هندی است که در راه دست یافتن به معنی بیگانه و مخالف خوانی، پیرو شعرای قبل از خود بوده است. وی با تعمق در جوهره و روح عناصر و پدیده ها و مظاهر طبیعت پیرامون خود، به آفرینش معانی و مضامینی متضاد پرداخته است. مخالف خوانی در اشعار بیدل و دیگر شعرای این سبک به دو صورت مطرح گردیده است: یکی اینکه این شعرا برای دست یافتن به معانی و مضامین جدید و در اصطلاح خودشان «معنی بیگانه» و به علت قرار گرفتن در موقعیت های مختلف زندگی، به انتقاد و نگرش منفی نسبت به عناصر و پدیده های شعری و ادبی و شخصیت های اساطیری، تاریخی و داستانی می پردازند که آن عناصر و پدیده های شعری و آن شخصیت ها، در هنجار دیرینه ادبی، مورد ستایش همگان واقع گردیده اند. دوم اینکه برای خلق معنی و مضمون جدید «معنی بیگانه»، به تحسین و ستایش از عناصر و پدیده های شعری و شخصیت هایی می پردازند، که در عادت دیرینه ادبی، نگرش عمومی نسبت به آنها منفی است.

منابع

- 1- توحیدیان، رجب، خان چوبانی اهرنجانی، عزیزه، صائب، همدم دارالامان خاموشی، پژوهش نامه فرهنگ و ادب، نشریه دانشکده زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، شماره دوازدهم، سال هفتم، صص: 35-36، 1390.
- 2- -----، ----، نصرتی، عبدالله، تضاد معانی و مضامین و تناقض گویی در شعر کلیم کاشانی، فصلنامه ی تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، علمی پژوهشی، سال پنجم، شماره ی چهارم، شماره پیاپی 18، صص: 11-60، 1391.
- 3- حسن پور آلاشتی، حسین، معنی بیگانه در شعر صائب تبریزی، نشریه ی دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال 48، شماره ی مسلسل 696، صص: 75-77، 1384.
- 4- حکیم آذر، محمد، انحراف از نثر در شعر صائب تبریزی. فصلنامه ی زبان و ادبیات فارسی واحد اراک. سال اول. شماره ی دوم، صص: 37-43، 1384.
- 5- سجادی، سید علی محمد، صائب تبریزی و شاعران معروف سبک هندی، چاپ اول، تهران: پیام نور، 1399.
- 6- شفیع کدکنی، محمد رضا، رستاخیز کلمات (درس گفتار هایی درباره ی نظریه ی ادبی صورتگراییان روس)، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن، 1391.
- 7- شمس العلمای گرگانی، حاج محمد حسین، ابداع البدایع (جامع ترین کتاب در علم بدیع فارسی)، چاپ اول، تبریز: احرار، 1377.
- 8- شمیسا، سیروس، کلیات سبک شناسی، چاپ سوم، تهران: فردوس، 1377.
- 9- شیر، قهرمان، سبک هندی مظهر مقاومت منفی، فصلنامه زبان و ادبیات پارسی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ی 41، صص: 68-69، 1388.
- 10- صائب تبریزی، محمدعلی، دیوان، جلد دوم و ششم، به اهتمام: دکتر محمد قهرمان، چاپ سوم، تهران: علمی و فرهنگی، 1375.
- 11- غنی پور ملکشاه، احمد. سبک هندی و مدعیان پیشوایی آن (بررسی میزان و چگونگی تأثیر گذاری شاعران پیشگام سبک هندی بر شکل گیری این سبک). فصلنامه ی علمی- پژوهشی انجمن زبان و ادبیات فارسی (پژوهش های ادبی). سال پنجم. شماره بیستم، ص: 51، 1387.

12- محمدی، محمد حسین، بیگانه مثل معنی (نقد و تحلیل شعر صائب و سبک هندی)، چاپ اول، تهران: میترا، 1374.

13- واثق عباسی، عبدالله، وظیفه دان ملا شاهی، فاطمه، بازتاب سیمای پیامبران در آیینه غزل کلیم کاشانی، فصلنامه مطالعات شبه قاره، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال چهارم، شماره دوازدهم، صص 109-130، پاییز 1391.

